



انتخاب‌های سرنوشت‌ساز در طلیحه سال نو!

کارخانه اسلحه‌سازی روپشت‌بام

پرهام رادمنش

دانش آموز پایه دهم

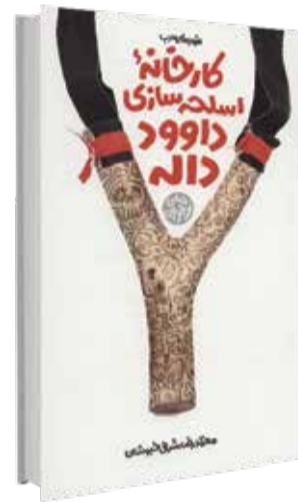
اگر جذب شخصیت پرشور و حرارت داوود داله شده‌اید و می‌خواهید با او و احوالاتش بیشتر آشنا شده و همچنین از سرنوشت لیلا و برادرش امید باخبر شوید، خواندن کتاب «کارخانه اسلحه‌سازی داوود داله» نوشته آقای «محمد رضا شرفی خبوشان» را به شما پیشنهاد می‌کنم.

داوود داله برای خودش یک کارخانه اسلحه‌سازی برپا کرده. او داله جمع می‌کند. روی پشت بام خانه‌شان یک جعبه پراز داله‌های مختلف دارد. برای همین به او می‌گویند داوود داله. داله دو تا شاخه به هم چسبیده است عینو حرف دال که ازش تیروکمان سنگی درست می‌کنند. او برای تمامی داله‌هایش اسم گذاشته. داله کنشکر، داله لیلا، داله مرگ و ...

البته برای ساخت تیرو کمان سنگی فقط داله کافی نیست. کش هم لازم است. این کش می‌تواند تکه‌ای از دستکش بنایی پدر داوود داله باشد، یا تکه‌ای از دستکش ظرفشویی مادرش یا حتی دستکش ظرفشویی مامان لیلا. لیلا خواهر امید است. امید هم رفیق صمیمی داوود داله است. داوود داله لیلا را دوست دارد. اما او در یک انتخاب دشوار مردد مانده است. باید از بین داله لیلا و داله مرگ یکی را برای ساخت تیروکمان انتخاب کند. داله مرگی که وقتی آن را از درخت چنار برید با آن هواپیمای در آسمان را نشانه گرفت و داله لیلایی که او را ناموس خود می‌دانست رها کرد. و همیشه این انتخاب‌ها هستند که سرنوشت را رقم می‌زنند.

او سرانجام دل را به دریا می‌زند و روی داله مرگ دست می‌گذارد. دستکش‌های بنایی پدرش را خرج داله می‌کند و با تیروکمانی که می‌سازد محله را به آتش می‌کشد. حتی از خیر یک گنجشک نشسته روی درخت و یک شیشه سالم خانه‌های مخروبه هم نمی‌گذرد. او با داله مرگ در محله‌شان پادشاهی می‌کند. کشور، درگیر جنگ با رژیم بعث است و داوود داله درگیر جنگ با گنجشک‌ها و بطری‌های شیشه‌ای.

و با تیروکمانی که می‌سازد محله را به آتش می‌کشد. حتی از خیر یک گنجشک نشسته روی درخت و یک شیشه سالم خانه‌های مخروبه هم نمی‌گذرد. او با داله مرگ در محله‌شان پادشاهی می‌کند



شما شیر بشوید!

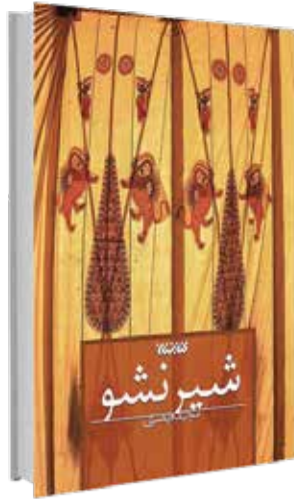
مشخص کردن شیر یا روباه در عید!

محمد حسین رضایی

دانش آموز پایه دهم

«چند بار بهت گفتم بیا شیرت نکنن... گفتم؟» داستان کتاب شیرنشو از آتجایی شروع می‌شود که جمشید به عنوان شاگرد در تعمیرگاه اوس بهرام در روستای خیالی زهشا کار می‌کند و با آمدن ماه محرم و فضای عزاداری اتفاقات خوب و بدی برایش می‌افتد. رسم عزاداری در زهشا با تعزیه خواندن معروف است و مردمش هم سال‌های سال است که با شعرهای «نسخه میرغم» این مراسم را برگزار می‌کنند. مدرسه سالاری‌ها هم محل تعزیه هر سال است، اما اول محرم امسال در آتش می‌سوزد و زهشایی‌ها عزایش را می‌گیرند. جمشید پسر نوجوانی است که پدرش در جنگ مفقود شده و او حالا مرد خانواده‌اش می‌شود. همزمان با تغییر مکان تعزیه و پیدا کردن داوطلب برای نقش‌های آن، مش‌رجب از او می‌خواهد تا جای پدرش را در تعزیه پر کند. می‌خواهد که او را شیر کند. شیر تعزیه! اما جمشید مردد و نگران است که مادرش نفهمد.

شیرنشویک رمان بسیار نزدیک به واقعیت و باور پذیر است برای نوجوان دهه هشتادی که کمتر رنگ و بویی از چنین مراسم قدیمی و با اصالتی در دهه‌های گذشته برده است. یک روایت خوب با توصیفات جذاب نویسنده که ما را همراه رمان می‌کند. توصیفاتش برای یک کتابخوان، خسته کننده و اضافی نیست. بلکه دقت بالایی در انتخاب آنها شده است.



مش‌رجب از او می‌خواهد تا جای پدرش را در تعزیه پر کند. می‌خواهد که او را شیر کند. شیر تعزیه! اما جمشید مردد و نگران است که مادرش نفهمد

شخصیت‌پردازی‌هایی که برای افراد و تصویر سازی‌هایی که برای مکان‌ها استفاده شده، به خوبی قابل تجسم است و ذهن‌مان را خسته نمی‌کند. شیر نشو تکراری نیست.

اینکه تکراری نیست و می‌توان طعم جدیدی از دوران جنگ تمبلی را چشید، با ارزشش می‌کند. روابط جمشید با باقی افراد روستای زهشا و دیالوگ‌هایی که بین‌شان رد و بدل می‌شود نقطه قوت کتاب است. دیالوگ‌هایی با زبان همان دوره و هم‌استای هر شخصیت. خواندن «شیر نشو» را پیشنهاد می‌کنم! مخصوصاً اگر از تعزیه خوستان می‌آید و دوست دارید جای جمشید قرار بگیرید.



یک جور خوشبختی در نوروز

رمانی جذاب برای نوجوانان

معصومه فراهانی

آموزگار

یک رمان نوجوان تمام عیار برای من این شکلی است: رمان حرفی برای گفتن دارد. بلد است خیلی خوب قصه بگوید، قلم نویسنده مستحکم و روان است، شخصیت‌پردازی‌ها عالی است، جملات قشنگ کم ندارد و با یک فضا سازی خیلی خوب طرفیم، فضا سازی‌ای که نقش مهمی را در پیشبرد داستان ایفا می‌کند. «یک جور خوشبختی» همه این‌ها را دارد!

قصه درباره دختر نوجوانی به نام فینلی است که پدر و مادرش می‌خواهند برای ادامه دادن زندگی‌شان در کنار هم تصمیم بگیرند، برای همین دختر را چند ماهی به خانه مادر بزرگ و پدر بزرگش می‌فرستند. پدر بزرگ و مادر بزرگی که اولین بار است فینلی آن‌ها را می‌بیند. فینلی ملکه یک سرزمین است! سرزمینی باشکوه و سرشار از افسانه که فقط در دفترچه فینلی وجود دارد. سرزمینی که فقط او درباره‌اش می‌داند و هر روز از آن می‌نویسد. حالا قرار است فینلی و دفترچه‌اش مدتی با هم به خانه مادر بزرگ و پدر بزرگ بروند. مادر بزرگ و پدر بزرگ در شهری کوچک و سرسبز زندگی می‌کنند، خانه آن‌ها مشرف به یک جنگل است، جنگلی که در آن یک خانواده با سه پسرشان زندگی می‌کنند و مادر بزرگ فینلی همان روز اول نزدیک شدن به آن خانه را قدغن می‌کند.

ماجرای این خانه ممنوعه چیست؟ اصلاً چرا فینلی بعد از ۱۳ سال باید تازه با خانواده پدری‌اش آشنا شود؟ این سؤال و کلی سؤال دیگر معماهایی هستند که مدام در طول داستان به وجود می‌آیند. دخترک قصه ما، عاشق نوشتن و قصه پردازی است. ما همزمان قصه زندگی او در خانه مادر بزرگ و پدر بزرگ و قصه‌ای را که می‌نویسد می‌خوانیم. قصه‌ها به هم پیوند می‌خورند و ما را به شگفتی‌ها



دخترک قصه ما، عاشق نوشتن و قصه پردازی است. ما همزمان قصه زندگی او در خانه مادر بزرگ و پدر بزرگ و قصه‌ای را که می‌نویسد می‌خوانیم. قصه‌ها به هم پیوند می‌خورند و ما را به شگفتی‌ها می‌دارند

اگر سیب نیست، پس کدام سین هفت سین است؟

کتاب دیگری برای آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان

زهرا بزرگ‌زاده

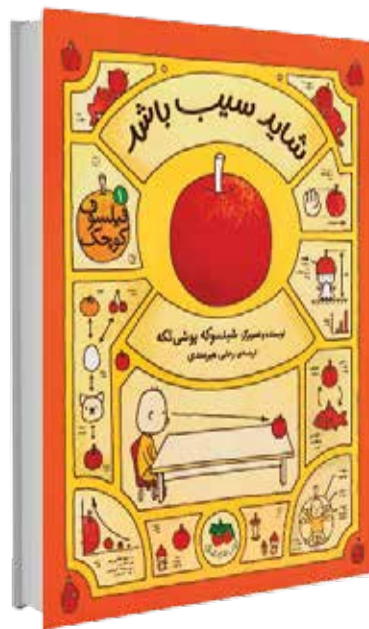
روانشناس کودک

طی هفته‌های گذشته چند کتاب درباره آموزش مهارت خودآگاهی به کودکان معرفی کردیم. کتاب‌های گربه قرمز و گربه آبی، یک موجود خیلی عجیب و می‌توانم یک من دیگر بسازم؟ همگی در مورد آموزش مهارت خودآگاهی به کودکان در سنین مختلف بود. خودآگاهی به ما کمک می‌کند تفاوت‌مان را با دیگران ببینیم و از مقایسه‌های اشتباه پرهیز کنیم.

کتابی که این هفته می‌خواهم راجع به آن حرف بزنم از همان مجموعه فیلسوف کوچک، نوشته هسینشوکه یوشی‌تکه است که نشر فندوق، زیرمجموعه نشر افق، آن را منتشر کرده. «شاید سیب باشد» داستان مواجهه کودک با سیب است. او مدام فکر می‌کند اگر این شی قرمز و گرد سیب نباشد، چه چیزی می‌تواند باشد؟ ماهی‌ای که خودش را جمع کرده؟ ظرفی پراز زله به شکل سیب؟ دیگر چه چیزی؟ واقعاً دیگر چه چیزی می‌تواند باشد؟

مهارت خلاقیت به ما کمک می‌کند در بن‌بست نمانیم و یاد گرفتن مهارت تفکر نقاد، مثل بلد بودن شنا در دریای اخبار جعلی امروز است. این کتاب به کودک کمک می‌کند توانایی‌اش را برای فکر کردن خارج از چهارچوب‌ها زنده نگه دارد و همچنین گاهی به حقیقی‌ترین اطلاعات شکی کند و احتمالات دیگر را نیز در نظر بگیرد. از این جهات، خواندن این کتاب به صورت تعاملی پیشنهاد می‌شود. وقتی کتاب را با کودک خود می‌خوانید می‌توانید از او هم بخواهید تا حدس‌هایش را بیان کند و بعد شی‌ای را که به جای سیب حدس زده بررسی کند و تفاوت‌ها و شباهت‌هایش را بگوید و بالاخره تصمیم بگیرد آیا واقعاً این سیب می‌تواند آن شیء هم باشد یا نه؟ همچنین پس از اتمام کتاب می‌توان این بازی را با کودک ادامه داد. «فکر می‌کنی این واقعاً یک توت فرنگی است؟»، «اگر توت فرنگی نباشد چه می‌تواند باشد؟»

این کتاب برای کودکان ۷ تا ۹ سال به صورت تقریبی، مناسب است. کتاب‌های سری فیلسوف کوچک را بهتر است تعاملی و مکرر بخوانید و پس از پایان کتاب، همچنان در موقعیت‌های مختلف به آن ارجاع دهید.



برای شب‌های طولانی بهار پیش‌رو

سفر به سرزمین‌های غریب بدون دور شدن از سرزمین‌های آشنا

مریم رحیمی‌پور

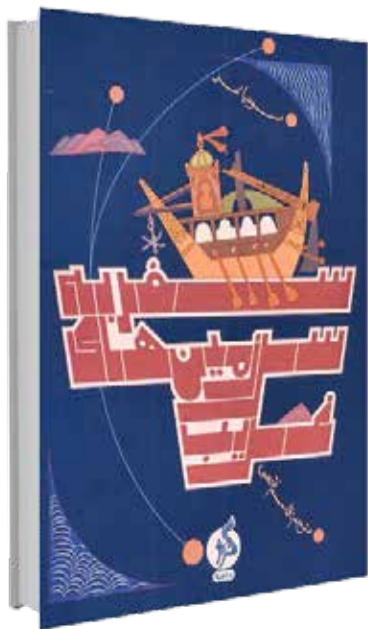
خبرنگار

من همیشه خیال می‌کردم آدم خیلی اهل سفری هستم. همیشه فکر می‌کردم بالاخره یک روز کوله‌بارم را جمع می‌کنم و برای سفر به دوردنیا می‌روم و بی‌خیال تعلقات می‌شوم. اما حقیقتش این است که حتی یک ذره هم ویژگی آدم‌های اهل سفر را ندارم. سفر تا جایی برایم دلچسب است که زمان بازگشت به «خانه» مشخص باشد، از نظر زمانی هم خیلی دور نباشد.

اما «قمر» در داستان «سفر به سرزمین‌های غریب» این‌طور نیست. او مجنون سفرهای بی‌بازگشت است. زندگی برایش فقط معنای سفر را دارد. برای همین در جوانی راه می‌افتد و هر ماجرابی را از سر می‌گذراند، از بازار برده‌فروش‌ها سر در می‌آورد، همنشین شاهزاده مصر می‌شود، مدتی به عنوان دزد دریایی زندگی می‌کند و خواندن داستان‌هایش برای من که همیشه خیال سفر داشتم اما همواره در فکر بازگشت به «خانه» بودن حس خوبی دارد. شاید جذاب‌ترین ویژگی قمر برای نوجوان ایرانی، شرقی بودن اوست. دختری اهل فلسطین که حتی تلفظ نامش هم برای ما آشناست و در سرزمین‌هایی سفر می‌کند که چندان از ما دور نیستند و سر از حجاز و هند و یمن در می‌آورد. برای همین می‌توانم به راحتی چشم‌هایم را ببندم و خیال کنم که در آن کاروان حج هستم، در یک بیابان تاریک و پیرزنی عرب از من داستان زندگی‌ام را می‌پرسد.

در کنار همه این‌ها قمر، قصه‌گوست. خیلی وقت‌ها همین قصه‌گویی نجاتش می‌دهد. انگار نویسنده شهرزاد را از قصر ملک جوان بخت نجات داده و در کل سرزمین‌های اطراف چرخانده، قمر هم بالاخره یک روز آرام می‌گیرد، مثل مادرش یک کتابفروشی باز می‌کند و به سکون می‌رسد.

«سفر به سرزمین‌های غریب» داستان دلچسبی برای نوجوان‌های بالای ۱۳ سال است. آن هم در نوروزی که با ماه مبارک رمضان همزمان شده و شب‌های بلندش شاید مناسب سفر نباشد اما فرصت خیلی خوبی برای کتاب خواندن است، آن هم کتابی که شما را از جای‌تان بلند می‌کند و به سرزمین‌های غریب می‌فرستد.



در کنار همه این‌ها قمر، قصه‌گوست. خیلی وقت‌ها همین قصه‌گویی نجاتش می‌دهد. انگار نویسنده شهرزاد را از قصر ملک جوان بخت نجات داده و در کل سرزمین‌های اطراف چرخانده